

سیری در شناخت ادیان [۲]

یهودیت

عبدالعزیز نعمانی

ادیان الهی

واژه ادیان الهی، در مقابل ادیان و آیین های بشری است، و بر ادیانی اطلاق می شود که اساس و ریشه وحیانی و آسمانی دارند و خداوند مستقیماً پایگذار و به وجود آورنده آنهاست. در آغاز آفرینش انسان، خداوند حضرت آدم علیه السلام را به عنوان جانشین و پیامبر خویش برگزید و نامهای همه مخلوقات و خواص و اسرار چیزهایی را که نوع انسان از لحاظ پیشرفت مادی و معنوی آمادگی فراگیری آنها را داشت به دل او الهام کرد و به او آموخت تا به یگانگی و معرفت خداوند پی ببرد و همواره ذات کبریایی او را مورد عبادت و نیایش قرار دهد. تدریجاً که فرزندان آدم علیه السلام فزونی یافتند، خداوند به منظور هدایت و راهنمایی آنان پیامبرانی را از میان خودشان برگزید و فرامین و احکامی را در قالب صحیفه یا کتاب آسمانی بر پیامبر وقت نازل کرد تا قوم و امتش را به شاهراه هدایت و سعادت سوق دهد و از بیراهه ضلالت و گمراهی بر حذر دارد.

به همین جهت خداوند پیامبران بسیاری را در طول تاریخ به منظور هدایت بشر مبعوث کرده است که هر یک از ایشان دارای رتبه خاصی از قرب و منزلت به درگاه الهی بوده اند و بنا به مشیت الله تعالی در شرایط مکانی و زمانی خاصی برای ارشاد و هدایت مردم مبعوث شده اند. برخی از ایشان به عنوان نبی و برخی به عنوان رسول و برخی با هر دو عنوان شهرت یافته اند: **«أَنَا أَوْحِينَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوْحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطَ وَ عِيسَى وَ أَيُّوبَ وَ يُونُسَ وَ هَارُونَ وَ سُلَيْمَانَ وَ آتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا»** [نساء: ۱۶۳]؛ ما به تو (ای محمد!) قرآن و

شریعت را) وحی کردیم همانگونه که پیش از تو به نوح و پیامبران بعد از او وحی کردیم و همانگونه که به ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوادگان او (که برخی پیامبر بودند)، عیسی، ایوب، یونس، هارون و سلیمان وحی کردیم و به داود زبور دادیم. **«رَسُولًا مَبِشْرِينَ وَ مَنذُرِينَ لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حِجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَأَنَّ اللَّهَ عَزِيزًا حَكِيمًا»** [نساء: ۱۶۵]؛ ما پیامبران را فرستادیم تا (به مؤمنان) بشارت دهنده و (به کافران) بیم دهنده باشند و بعد از بعثت پیامبران حجت و دلیلی علیه خدا برای مردم باقی نماند و خداوند غالب و حکیم است.

ویژگی مهم و بارز ادیان سماوی، اعتقاد به توحید و یگانگی خداوند هستی است. پیامبران در همه ادیان وظیفه داشتند تا مردم



را از هرگونه اعتقاد شرک آمیز، ارتکاب معصیت و گرایش به رذایل اخلاقی و مفساد اجتماعی بازدارند. از این رو در تمام شرایع و دعوت همه پیامبران در اصول اعتقادی و مبانی اخلاقی هماهنگی وجود داشته است: **«وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ»** [انبیاء: ۲۱]؛ ما پیش از تو (ای محمد!) هیچ پیامبری را فرستاده ایم مگر اینکه به او وحی کرده ایم که معبودی جز من وجود ندارد، پس فقط مرا پرستش کن. از این رو هرگاه اعتقاد توحید در پیروان

دین و شریعتی کم رنگ می شد و مردم به اعتقادات شرک آمیز و خرافه گرایی روی می آوردند، خداوند آن دین و شریعت را منسوخ می کرد و به جای آن دین و شریعت جدیدی را که بر اعتقاد توحید و یگانه پرستی استوار بود، ابلاغ می نمود. بر همین اساس، همه ادیان و شرایع قبل از دین اسلام، منسوخ و فاقد اعتبار اند. لذا همه مؤمنان و یکتاپرستان جهان در عین حالی که باید به نبوت و رسالت همه پیامبران و نزول کتابهای آسمانی پیشین ایمان و باور راستین داشته باشند، از جانب خداوند موظف اند که از شریعت اسلام که آخرین و کامل ترین شریعت و حیانی است و از خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم پیروی کنند. چنانکه در قرآن کریم آمده است: **«قُلْ أَمَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ. وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»** [آل عمران: ۸۴-۸۵]؛ بگو به خدا و به آنچه بر ما فرو فرستاده شده است و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [وی] نازل شده بود و به آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از [جانب] پروردگارشان داده شده، ایمان آورده ایم. میان هیچ یک از پیامبران (در ایمان به آنان) فرق نمی گذاریم و ما تسلیم (فرمان) اویم. و هر کس دینی جز اسلام بجوید، هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت از زیانکاران است.

یهودیت

یکی از بزرگترین ادیان مطرح و شرایع منسوخ شده وحیانی، یهودیت است که چهارده قرن قبل از میلاد مسیح علیه السلام، با پیامبری حضرت موسی علیه السلام بر اساس اعتقاد یکتاپرستی و توحید به ظهور رسید. از لحاظ تاریخی یهودیان همانند اعراب و آشوریان از نژاد سامی هستند، از فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام به شمار می آیند و به همین دلیل به بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) شهرت فراوانی یافته اند. واژه "یهود" نیز از اسم یکی

از فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام به نام "یهودا" گرفته شده و سپس اطلاق آن بر همه بنی اسرائیل تعمیم یافته است. خود یهودیان همواره بر سابقه قومی و نژادی خویش تأکید دارند و خود را فرزندان حضرت ابراهیم علیه السلام می خوانند. از دیدگاه تورات - کتاب مقدس یهودیان - حضرت اسحاق جانشین حضرت ابراهیم خلیل الله است و حضرت یعقوب نیز جانشین حضرت اسحاق بوده است. بنابر این دیدگاه، مؤسس مذهب یهود حضرت ابراهیم علیه السلام محسوب می شود. برخی از متعصبان یهود پا را از حد فراتر گذاشته و ادعا کرده اند که پیروان مذهب یهود از مقربان و فرزندان خداوند هستند!

با ظهور و گسترش اسلام، یهودیان و مسیحیان نسبت به مسلمانان به شدت عداوت می ورزیدند و گروهی را برای مناظره و بحث نزد پیامبر اسلام فرستادند. آنان ادعا کردند حضرت ابراهیم علیه السلام که پیروان تمام ادیان از او به عظمت یاد می کنند، بنیانگذار و پیرو آیین آنان بوده است. قرآن کریم ادعاهای بی اساس هر دو گروه را رد می کند و درباره انتسابشان به خداوند و یا ابراهیم علیه السلام می فرماید:

۱- "وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ أَلَمْ تَعْلَمُوا؟"؛ یهودیان و مسیحیان گفتند: ما پسران و دوستان اویم! بگو: پس چرا شما را به خاطر گناهانتان عذاب می دهد؟ بلکه شما هم انسانهایی هستید که خداوند آنان را آفریده است.

۳- "يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَحَابُّونَ فِيْ اِبْرَاهِيْمَ مَا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ وَاَلْإِنْجِيلَ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ" آل عمران: ۶۵؛ ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم به مجادله و ستیز می پردازید (و هر یک از شما او را پیرو آیین خود معرفی می کنید)؟ در حالی که تورات و انجیل بعد از او (ابراهیم) نازل شده اند. آیا خرد نمی ورزید؟ "ما کان ابراهیم یهودیاً ولا نصرانیاً و لکن کان حنیفاً مسلماً و ما کان من المشرکین" آل عمران: ۶۷؛ ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی، بلکه موحد خالص و مسلمان بود و هرگز از مشرکان نبود.

پیدایش یهود

درباره تاریخ پیدایش یهودیان در قرآن کریم به تفصیل بحث شده است که همین بحث در کتاب تورات نیز با تفاوت هایی ذکر شده است. درباره پیدایش یهودیان در تورات آمده است:

"ای فرزندان ابراهیم و یعقوب، ای بندگان برگزیده خداوند، کارهای شگفت انگیز و داوریهایی او را به یاد آورید! یهوه خدای ما است و سراسر جهان را داوری می کند و تا ابد به عهدی که با ابراهیم بسته و سوگندی که برای اسحاق خورده است، وفادار خواهد ماند. این است آن عهد جاودان که بنی اسرائیل فرمود: "سرزمین کنعان را به شما خواهیم بخشید تا میراث شما شود." خداوند این وعده را هنگامی که بنی اسرائیل داد که هنوز قومی



کوچک بودند و در کنعان در غربت به سر می بردند. در میان قبایل سرگردان بودند و همیشه از یک دیار به دیار دیگر نقل مکان می کردند. اما خداوند نگذاشت کسی بر آنها ظلم کند. او حتی به پادشاهان نیز به خاطر آنان هشدار داد و گفت: "بر برگزیدگان من دست دراز نکنید و به انبیای من آزار نرسانید.

خداوند در کنعان خشکسالی پدید آورد و قحطی تمام سرزمین آنجا را فراگرفت. او پیش از آن یوسف را به مصر فرستاده بود. برادران یوسف او را همچون برده فروخته بودند... او در زندان ماند تا زمانی که پیشگویی اش به وقوع پیوست. آنگاه فرعون دستور داد تا یوسف را از زندان بیرون آورده آزاد سازند. سپس او را ناظر خانه خود و حاکم سرزمین

مصر نمود تا بر بزرگان مملکت، فرمان راند و مشایخ را حکمت آموزد.

آنگاه یعقوب و فرزندان او به مصر رفتند و در آن سرزمین ساکن شدند. خداوند قوم خود را در آنجا بزرگ ساخت و آنها را از دشمنان قوی تر کرد، اما از طرف دیگر خداوند کاری کرد تا مصری ها بر قوم او ظلم کنند و ایشان را برده خود سازند! سپس بندگان خود، موسی و هارون را که برگزیده بود، نزد بنی اسرائیل فرستاد. موسی و هارون، کارهای شگفت انگیز و معجزات خدا را در مصر به ظهور آوردند. خدا سرزمین مصر را با تاریکی پوشانید. اما مصریان فرمان خدا را مبنی بر آزادسازی قوم اسرائیل اطاعت نکردند. او آبهای ایشان را به خون مبدل ساخت و همه ماهیانشان را کشت. سرانجام بنی اسرائیل را در حالی که طلا و نقره فراوانی با خود برداشته بودند، صحیح و سالم از مصر بیرون آورد. خداوند هنگام روز بر فراز قوم اسرائیل ابر می گسترانید تا آنها را از حرارت آفتاب محفوظ نگاه دارد، و در شب آتش به ایشان می بخشید تا به آنها روشنائی دهد... پس او قوم برگزیده خود را در حالی که با شادی سرود می خوانند از مصر بیرون آورد و سرزمین قومهای دیگر را با تمام محصولاتشان به آنها بخشید.^(۱)

کتاب مقدس یهود

کتاب مقدس یهودیان که از آن با عنوان "عهد عتیق" یاد می شود، ترکیبی از سی و نه کتاب جداگانه به زبان عبری است که احتمالاً تدوین و تکمیل آن حدود هزار سال به طول انجامیده و مجموعه هایی از نویسندگان، گردآورندگان و ویراستاران به تدوین آن اشتغال داشته اند. عهد عتیق به طور جداگانه به صورت سه مجموعه جمع آوری شده است:

مجموعه اول: تورات و بخش تاریخی عهد عتیق.

کتاب تورات یا شریعت حضرت موسی علیه السلام شامل پنج کتاب (سفر) است و از منزلت بسیار بالایی نزد اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) برخوردار است. این پنج سفر عبارتند از: ۱- سفر تکوین (پیدایش)، ۲- سفر خروج، ۳- سفر احبار یا لاویان، ۴- سفر اعداد،

۵- سفر تثبیه.

این مجموعه غیر از تورات اصلی است که قرآن از آن به "هدایت و نور" تعبیر می‌کند. نسخه اصلی تورات که در صندوق شهادت بود، قرن‌ها قبل از اسلام در جنگها از بین رفت. بخش تاریخی عهد عتیق نیز متشکل از دوازده سفر است: ۱- صحیفه یوشع، ۲- سفر داوران، ۳- کتاب روت، ۴- کتاب اول سموئیل، ۵- کتاب دوم سموئیل، ۶- کتاب اول پادشاهان، ۷- کتاب دوم پادشاهان، ۸- کتاب اول تواریخ ایام، ۹- کتاب دوم تواریخ ایام، ۱۰- کتاب عزرا، ۱۱- کتاب نحیما، ۱۲- کتاب استر.

این بخش در برگیرنده تاریخ قوم عبرانی برای یک دوره حدوداً هفتصد ساله است. مجموعه دوم: کتابهای حکمت و مناجات و شعر است و بر پنج سفر مشتمل است: ۱- کتاب ایوب، ۲- کتاب مزامیر (زبور داود)، ۳- کتاب امثال سلیمان نبی، ۴- سفر جامعه، ۵- کتاب غزل، غزلهای سلیمان. مجموعه سوم: پیشگویی های انبیا که مشتمل بر ۱۷ کتاب است.

تلمود

با وجود اینکه کتاب مقدس (عهد عتیق) همواره در دین یهود جایگاه اول را داشته است، تلمود نیز همواره از موقعیت بالا و مؤثری برخوردار بوده است؛ زیرا یهودیان در اکثر موارد، تفسیر صحیح و مناسب کتاب مقدس را از طریق تعالیم تلمود یاد می‌گیرند. تحولاتی که در زندگی یهود طی قرون و اعصار مختلف پیدا شد، ایجاب کرد که بر احکام تورات شرح و تفسیرهایی نوشته شود. تا اواخر قرن پنجم میلادی، جمعا ۱۵ قرن طول کشید که مجموعه مباحثات علما و طلاب یهود و آرا و عادات و سخنان محیطهای مختلف گردآوری شد و مجموعه ای مشتمل بر ۲۹۴۷ ورق بزرگ در حدود ۶ هزار صفحه، شش باب در ۳۶ جلد گرد آمد و مایه دلبستگی قوم یهود شد و در واقع کلیه بحثهای دینی یهود در طی قرون در آن جمع است. این مجموعه بارها در طی قرون وسطی در ممالک جهان وارد شده و نسخ آن را آتش زده اند و یا به آب ریخته اند. اما در هر حال نسخه هایی از آن مانده است که از نظر یهودیان مشتمل بر حکمت است و از نظر

دیگران مشتکی افسانه و مطالب متناقض است.^(۱) یهودیان تلمود را تورات شفاهی می‌نامند و به عقیده آنان نسل به نسل از زمان حضرت موسی علیه السلام برای قوم یهود باقی مانده است.

تلمود واژه ای عبری به معنی "تعلیم" است و دو نسخه دارد که عبارتند از: ۱- تلمود بابلی یا شرقی، ۲- تلمود اورشلیم (فلسطینی) یا غربی.^(۲)

مسیحیان به علت بدگویی تلمود از حضرت عیسی علیه السلام همواره با آن مخالف بوده اند.

احکام تورات و ده فرمان

احکام اساسی و مهم کتاب تورات به ده فرمان شهرت دارند که برخی از این احکام در قرآن کریم (سوره بقره آیات ۸۳ تا ۸۵) نیز بیان شده اند. ده فرمان از قرار ذیل اند:

- ۱- من خدای شما هستم، برای خود خدایی جز من قرار ندهید؛
- ۲- برای هیچ بتی سجده نکنید و برای من شبیه و تمثالی نسازید؛
- ۳- نام یهوه - خدای خود - را با بی احترامی بر زبان نیاورید؛
- ۴- روز سبت (شنبه) را گرامی بدارید؛
- ۵- پدر و مادر خود را احترام کنید؛
- ۶- قتل نفس و جنایت نکنید؛
- ۷- مرتکب زنا نشوید؛
- ۸- دزدی نکنید؛
- ۹- دروغ نگویید؛
- ۱۰- چشم طمع به مال و ناموس دیگران نداشته باشید.^(۳)

احکام و داستانهایی که در تورات درباره بنی اسرائیل وجود دارد، مشابهت زیادی با فرامین و داستانهای قرآنی درباره یهودیان دارد. علامه ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی (متوفای ۵۴۸ هـ) در این باره می‌گوید: **«واعلم أن التوراة قد اشتملت بأسرها على دلالات و آیات تدل على كون شريعة نبينا المصطفى عليه الصلاة و السلام حقاً، و كون صاحب الشريعة صادقاً، بل ما حرفوه و غیره و بدلوه، اما تحریفاً من حيث الكتابة و الصورة و اما تحریفاً من حيث التفسیر و التأویل»**^(۴)؛ بدانکه در تمام تورات دلایل و نشانه هایی دال بر

حقانیت شریعت و آیین پیامبر ما حضرت محمد مصطفی علیه السلام و اینکه صاحب شریعت کاملاً صادق و راستگو است، وجود دارد. لذا مطالبی را که علمای یهود مورد تحریف، تغییر و دگرگونی قرار داده اند، تحریف آن یا به هنگام ثبت و نوشتن رخ داده است یا به هنگام تفسیر و تأویل آنها.

در هر حال مشابهت پاره ای از داستانها و احکام تورات با قرآن کریم بیانگر آن است که تورات یک کتاب آسمانی بوده و بر حضرت موسی علیه السلام نازل شده است اما با گذشت زمان و به خاطر برخی اهداف و منافع شخصی و گروهی و یا غرض ورزیها، احکام آن دچار تحریف و دگرگونی شده است.

در قرآن کریم آمده است: **«بما نقضهم ميثاقهم لعناهم و جعلنا قلوبهم قاسية يحرفون الكلم عن مواضعه و نسوا حظاً مما ذكروا به و لا تزال تطلع على خائنة منهم الا قليلاً منهم»** آمده: ۱۳؛ پس به [سزای] پیمان شکنی شان آنان (یهودیان) را نفرین کردیم و از رحمت خود محروم داشتیم و دلهایشان را سخت نمودیم. آنان کلمات را از مواضع آنها تحریف می‌کنند و بخش فراوانی را از آنچه (در تورات بود) و به آنان تذکر داده شده بود، ترک کردند. (این خوی زشت همچنان در این قوم وجود دارد) و تو پیوسته بر خیانتی از آنان پی می‌بری، مگر عده اندکی از آنان (که به تو ایمان آورده اند و خیانت پیشه نیستند).

اعتقادات شرک آمیز یهود

یهودیان همواره خداوند را خدای تاریخ، و تاریخ را عرصه ای می‌دیدند که در آن خداوند عمل می‌کرد و بنی اسرائیل عکس العمل نشان می‌دادند.

با آنکه خداوند بایستی در اعتقادشان واحد و بی همتا باشد، ذات خداوند را همانند بشر تصور کرده اند که پس از خلقت آسمانها و زمین و احساس خستگی، در روز هفتم (سبت) به استراحت پرداخت و این روز را برای یهودیان تعطیل اعلام کرد. در بخشی از تورات آمده است: **«حضرت یعقوب با خداوند کشتی گرفت و بر خداوند غالب شد و به همین خاطر به اسرائیل (قهرمان پیروز) ملقب شد.»**^(۵) برخی از یهودیان نیز تصور می‌کردند

عزیر فرزند خداوند است: «و قالت الیهود عزیز ابن الله» [توبه: ۳۰]. در «مزامیر» که بخش مناجات کتاب تورات را تشکیل می دهد، خداوند متعال با القاب بسیار بد و همانند یک پادشاه حامی بنی اسرائیل مورد خطاب قرار گرفته است که بیانگر تصورات و اعتقادات شرک آمیز یهودیان نسبت به خداوند است.

عبادات و اعیاد

روش دقیق انجام مراسم و اهدای هدایا به محضر خداوند، در سفر خروج و سفر لویان به تفصیل شرح داده شده است. بعضی از

کنیسه یا معبد محلی برای تجمع افراد یهودی است که می توان با مطالعه و عبادت در آن، به ملاقات خداوند نایل شد. در هر محله ای که ده یهودی خوشنام زندگی می کردند، می شد به تأسیس یک کنیسه اقدام کرد.

قبله یهودیان معبد سلیمان در کنار مسجد الاقصی است. آنان روزی سه بار نماز می خوانند؛ نماز صبح، نماز عصر، نماز مغرب. در صورتی که دست کم ده نفر در کنیسه وجود داشته باشند، یک نفر که معمولاً مسن تر از دیگران است و عبری را خوب می داند، جلو می ایستد و قسمتهایی از تورات یا دعاهایی را



هدایا برای سوزاندن بودند و حمد و تقدیس را مدنظر داشتند؛ بعضی برای صلح و آرامش، که بر ارتباط با خداوند تأکید می ورزیدند؛ هدایای گناه به منظور بخشش از گناهان تقدیم می شدند، و در آخر اعانات و قربانی هایی برای جرم و تقصیر افراد، که آنها را از مجازات گناهانشان آزاد می ساخت.

برای انجام مراسم تقدیم هر یک از این اعانات، یا انجام قربانی های مذکور نظام مفصلی به وجود آمده بود که همه جزئیات و آداب مربوطه را به تفصیل بیان می داشت.

مادامی که معبد اورشلیم پابرجا بود، این نظام مفصل و دقیق به طور کامل اجرا می شد؛ ولی با انهدام معبد توسط سپاهیان روم، تغییری صورت پذیرفت. پس از این حادثه، کنیسه یهودیان جایگزین معبد، و دعا و نیایش و مطالعه تورات جایگزین قربانی شد. در اصل

استراحت جسم و روح و نیز توجه و تمرکز روی خداوند خالق است.

سایر مراسم و اعیاد مذهبی یهود بیشتر حالت فصلی و موسمی دارند که مهمترین جشن ها و اعیاد مذهبی یهود در دو فصل پاییز و بهار قرار دارند. تنها دو جشن نسبتاً کوچکتر در فصل زمستان برگزار می شود.^(۸)

اعیاد یهود از این قراراند: ۱- روز شنبه (به عبری شبات)، ۲- عید اول ماه (روش خودش)، ۳- سال هفتم یا سال انفکاک (شمیطا) ۴- سال یوبیل: این عید هر پنجاه سال یک بار می آید. ۵- عید فصح: این عید مهمترین عید یهودیان است و هفت روز طول می کشد. آغاز آن چهاردهم ماه نیسان در فصل بهار است و مراسم آن در تورات آمده است. ۶- عید هفته ها (شاووعوت): این عید پنجاه روز پس از عید فصح برگزار می شود. ۷- عید اول سال (روش هسانا): در اول پاییز قرار دارد. ۸- یوم کپیور (عاسور): یعنی روز کفار، و در دهمین روز ماه تشری واقع است. ۹- عید سایبانها (سکوت): روز بیست و دوم ماه تشری به نشانه زندگی کردن بنی اسرائیل در خیمه های تیه در عصر حضرت موسی علیه السلام، مدت یک هفته در خیمه زندگی می کنند. ۱۰- عید گشایش (חנוکا): این عید یک هفته پس از عید سایبانها است. ۱۱- عید قرعه ها (پوریم): عید مزبور در ماه اسفند قرار دارد.^(۹)

فرقه های یهودی

دین یهود فرقه های متعددی دارد که شناخته ترین آنها عبارتند از:

۱- **فریسیان**: کلمه فریسی در عبری به معنای عزلت طلب است. این فرقه دو قرن قبل از میلاد مسیح پدید آمد و تاکنون هم اکثریت یهود از آن هستند. اصل این فرقه به فرقه حسیدیم (به معنای پارسایان) بر می گردد. فرقه حسیدیم سه یا چهار قرن قبل از میلاد برای زدودن آثار بت پرستی و انحراف میان یهودیان پدید آمد. در قرن هجدهم نیز موج تازه ای به نام حسیدیم میان یهودیان شرق اروپا پدید آمد که از این حرکت الهام می گرفت. فریسیان علاوه بر عهد عتیق که تورات مکتوب نامیده می شود، به تورات شفاهی که همان تلمود است، معتقد هستند. این فرقه با

به زبان عبری می خواند و در مواردی رکوع می کنند. معروفترین عبادتی که انجام می گیرد شمع (بشنو) نام دارد که برگرفته از متن تورات است.^(۱۰)

پرستش خداوند با خانواده و فامیل شروع و ختم می شود. مراسم روز شنبه و بیشتر جشنهای مذهبی یهودی، در واحد کوچک خانواده شروع می شود، سپس همه فامیل به کنیسه محل رفته و دوباره مراجعت می کنند و دنباله مراسم را در کنار زندگی خانوادگی ادامه می دهند.

مهمترین وظیفه در تقویم دینی یهود، انجام مراسم دینی سبت (روزهای شنبه) از غروب جمعه تا غروب شنبه است. این واقعه یادآور خلقت جهان و آدم و از همه مهمتر، استراحت خداوند در پایان کار روز شنبه است. هدف از آداب روز تعطیل شنبه برای مؤمنین یهودی،

به سوی قوم یهود فرستاد تا آنان را به شاهراه هدایت و سعادت فراخواند و از گرایش به اعتقادات نادرست و پیروی از خواهشات بازدارد.

زمینه برای ظهور حضرت عیسی علیه السلام کاملاً مهیا بود؛ زیرا یهودیان پس از ویران شدن شهر قدس، همواره در انتظار یک رهبر فاتح بودند که اقتدار و شکوه قوم خدا را به عصر درخشان داود و سلیمان برگرداند. دل‌های بنی اسرائیل از عشق به مسیحای موعود لبریز بود و همواره در انتظار رهبری بودند که آنان را از حاکمان ستمگر رهایی بخشد. شور و التهاب انتظار موعود در تاریخ پر نشیب و فراز یهودیت موج می‌زند و اندیشه انتظار مسیحا ماهیتاً باوری یهودی است. یهودیان در سراسر تاریخ ذلت بار خود، هرگونه خواری و شکنجه را به این امید که روزی مسیحا بیاید و آنان را از گرداب ذلت و درد و رنج برهاند و فرمانروای جهان گرداند بر خود هموار کرده‌اند. چه بسا افرادی که با سوء استفاده از این تفکر در طول تاریخ بنی اسرائیل به عنوان موعود یهود برخاستند و با جذب برخی افراد ساده لوح بر مشکلات آنان افزودند. هم اکنون نیز صهیونیستهای اشغالگر فلسطین علاوه بر دعا‌های روزانه پس از دمیدن در شیپور عبادت [شوفار باستانی یا شاخ قوچ]، این گونه دعا می‌کنند: «اراده خداوند، خدای ما، چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفع صور مسیحا گوش هایمان را نوازش دهد.»^(۳)

یهودیت در اروپا

یهودیان در سرزمینهای اسلامی زندگی خوبی داشتند و شماری از آنان به مقامات اجتماعی بلندی نایل شدند. این در حالی بود که یهودیان مقیم کشورهای اروپایی مجبور بودند در اماکن خاصی به نام گتو (ghetto) با ذلت تمام زندگی کنند. همچنین بسیار اتفاق می افتاد که مسیحیان آنان را به زور به آیین خود در می آوردند. این گونه افراد در ظاهر مسیحی می شدند، ولی در باطن یهودی می ماندند و تعبیر یهودیان مسیحی نما (Marranos) به چنین افرادی دلالت دارد که در اصطلاح یهودیان ایران، آنوس خوانده می شوند. یهودیان اندلس

۷-دوئمه: نام فرقه دوئمه به ترکی استانبولی به معنای مبدل شده است و در بعضی اوقات به آنان شبتین می گویند که به شبتای صبی مؤسس گروهشان نسبت داده می شود. شبتای صبی به سال ۱۶۲۶ میلادی در شهر از میر (غرب ترکیه) به دنیا آمد و پس از مطالعه و بررسی تورات و عرفان یهودی کم کم مدعی شد که مسیحای یهود است و برای نجات آنان آمده است. وی در سال ۱۶۶۶م. به استانبول رفت و بلافاصله از طرف پادشاه عثمانی دستگیر شد و در روز ۱۶ سپتامبر ۱۶۶۶م. او را به حضور پادشاه آوردند و از او خواستند مسلمان شود. وی پس از پذیرفتن اسلام، نام خود را به محمدافندی تغییر داد و با یک بانوی مسلمان ازدواج کرد؛ ولی باز هم بسیاری از یهودیان او را مسیحا می دانستند و در توجیه این مسئله می گفتند که تنها شبجی از شبتای مسلمان شده و خود او برای یافتن ده قبیله گمشده بنی اسرائیل به آسمان رفته است و بزودی ظهور خواهد کرد.

شبتای صفت مسیحایی خویش را نگه داشت و مجاز بود به عنوان تبلیغ اسلام میان یهودیان، با آنان تماس بگیرد. وی فرقه ای پدید آورد که اعضای آن بی درنگ به رسم مسلمانان عمامه بر سر گذاشته، پیرو آداب اسلامی شدند و به بازگشت سریع شبتای به عنوان منجی حقیقی بنی اسرائیل امیدوار ماندند. مرگ وی به سال ۱۶۷۶م. اتفاق افتاد و برادرش اتباع او را دور خود جمع کرد. پس از آن، اتباع این فرقه در ظاهر به سنن اسلامی و در باطن به سنن یهودی عمل می کردند. اکنون چند هزار نفر از آنان در ترکیه یافت می شوند.^(۴)

مسیح موعود

با گذشت زمان آیین یهودیت دچار تحریف اساسی شد و عقاید شرک آمیز و خرافی جای اعتقاد توحیدی و یگانه پرستی را گرفت. احکام شرعی بنابر مصلحت، مطابق با رأی شیوخ و خاخام ها صادر می شد و به کتاب تورات هیچ گونه توجهی نمی شد، تا آنجا که برخی از علمای یهود اقدام به تحریف و تأویل نصوص کردند. به همین خاطر خداوند حضرت عیسی علیه السلام را با کتاب انجیل

حضرت عیسی علیه السلام بسیار مخالف بودند و برای تصلیب ایشان تلاش کردند.

۲- صدوقیان: این فرقه قایل به جسمانیت خدا بودند و قیامت را انکار می کردند و می پنداشتند که سزای نیکی و بدی در همین دنیا داده می شود. پس از خرابی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی دیگر اثری از این فرقه باقی نماند.

۳- سامریان: نام این فرقه از منطقه ای به نام سامره می آید. این فرقه بسیار کوچک تنها پنج سفر تورات و کتاب یوشع را می پذیرد و اسفار دیگر عهد عتیق را رد می کند. سامریها به قداست کوه جرزیم در نزدیکی شهر نابلس اعتقاد دارند و آن را قبله خود می دانند.

۴- اسنیان: این گروه حدود دو قرن پیش از میلاد به وجود آمد و با خراب شدن اورشلیم، آنان نیز مانند صدوقیان و بعضی فرقه های دیگر از بین رفتند و جز نامی از آنان باقی نماند.

۵- قانونان: کلمه قانونی به معنای غیور و متعصب است و بر گروهی اطلاق می شود که با شدت تمام با استیلای رومیها بر فلسطین مخالفت می کردند.

۶- قارئون: این فرقه که پس از ظهور اسلام پدید آمده است، با تلمود (تورات شفاهی) مخالفت می کند و بر معنای ظاهری تورات تعصب می ورزد و همواره با فریسیان درگیری داشته است. رهبر آنان در ابتدا یک ربانی یهودی به نام عنان بود که با [امام] ابوحنیفه [رحمه الله] معاشرت داشت و اصطلاحات فقه اسلامی را از وی آموخت. وی در عصر منصور دوانیقی در بغداد این فرقه را بنیاد نهاد. سپس فردی به نام بنیامین نهادی آن مکتب را در ایران آن روز ترویج کرد و تغییراتی در آن داد و نام قارئون (در عبری قرائیم یعنی قرائت کنندگان) را به جای عنانیه بر آن نهاد.

در قرون گذشته اکثر قارئون در جهان اسلام زندگی می کردند. اکنون آنان در اسرائیل، روسیه، اوکراین و کشورهای دیگر به سر می برند. دانشمندان بزرگی از قارئون برخاسته اند که مباحث آنان تورات یهودی توجه محققان را به خود جلب کرده است. آنان در مباحث خود از اصطلاحات اصول فقه اسلامی بهره می گیرند.

در دوران فرمانروایی مسلمانان در آن سامان زندگی خوبی داشتند. هنگامی که به سال ۱۴۹۲م. اندلس به طور کامل از دست مسلمانان خارج شد، یهودیان نیز از آن سرزمین تبعید شدند. آنان به کشورهای اسلامی شمال آفریقا روی آوردند، ولی تنها اندکی از ایشان در آن ورطه هولناک از چنگال دزدان دریایی و ناخدایان آزمند رهیده، به ساحل امن و امان رسیدند و در دامان پر مهر اسلام قرار گرفتند. منش نیک و رفتار انسانی مسلمانان با بیگانگان زبازند تاریخ نگاران یهودی و مسیحی است.^(۱۳)

یهودیت در عصر جدید

یهودیان اروپا بر اثر فشارهایی که برای آنان به وجود آمده بود، نمی توانستند بین مسیحیان و اقوام دیگر زندگی کنند و تبعیدهای پیاپی هر چه بیشتر آنان را به فکر وطن مستقل می انداخت. اندیشه پدید آوردن کشوری مستقل برای یهود سابقه ای طولانی دارد. با این وصف، زندگی میان ملت‌های غیر یهودی از نظر اقتصادی برای عموم یهودیان بسیار بهتر بود و به همین دلیل، پس از تأسیس کشور اسرائیل، یهودیان حاضر به مهاجرت به آن نبودند؛ از این رو، برای تشویق آنان به مهاجرت، در تمامی سرزمین‌های یهودی نشین اروپا و آسیا و آفریقا سازمان‌هایی به وجود آمد. دستگاه‌های تبلیغاتی اسرائیل نیز باغ سبزی را به یهودیان نشان می دادند. گروهی از یهود پس از مهاجرت، به وطن قبلی بازگشتند و به برنامه‌های پیشین خود میان اقوام دیگر ادامه دادند.^(۱۴)

پیدایش صهیونیسم

و تأسیس دولت اسرائیل

یهودیت تبلیغ ندارد؛ زیرا یهودیان دین خود را نعمتی می دانند که مخصوص نژاد بنی اسرائیل است. با این وصف اگر کسی یهودی شود، او را می پذیرند. در تلمود توصیه شده است که هرگاه کسی بخواهد یهودی شود باید ذلت‌های این قوم را به او تفهیم کرد تا اگر مرد این میدان نیست، پا در آن نگذارد. تحمیل یهودیت به ندرت وجود داشته است. یهودیان معمولاً مردم را به صهیونیسم دعوت می کنند.

در اواخر قرن نوزدهم گروه بزرگی از یهودیان روسیه اخراج شدند. عده‌ای از آنان در غرب اروپا ساکن شدند و گروهی هم به فلسطین رفتند و در مکانی نزدیک دریای مدیترانه ساکن شدند و نام صهیون را برای آنجا برگزیدند. فلسطین در آن زمان تابع خلافت عثمانی بود. صهیون نام تپه‌ای است در قدس که در زمان شکوفایی دولت بنی اسرائیل در عصر حضرت داود و حضرت سلیمان علیهما السلام مرکز نظامی بوده است. این نام همواره یادآور اقتدار آن قوم بوده و در کتاب‌های انبیای متأخر بسیار از آن یاد شده است.

در همان زمان، یهودیان اروپا و روسیه با نادیده گرفتن سنت انتظار، برای کسب استقلال و عزت برخاستند و صهیونیسم را بنیاد نهادند و به دنبال آن، مهاجرت یهودیان به فلسطین آغاز شد. اندیشمندان مسلمان این عمل را توطئه‌ای خطرناک دانستند و مسلمانان را از همکاری با مهاجران برحذر داشتند. مسلمانان هنگامی از عمق فاجعه آگاهی یافتند که راه چاره بسته شده بود.

صهیونیست‌ها مهمان نوازی مسلمانان فلسطین را از یاد بردند و با قساوت‌آمیزترین شیوه، آن سرزمین را اشغال کردند و پس از چندی با پشتیبانی همه جانبه انگلستان و آمریکا بخش‌هایی از کشورهای همسایه را اشغال و ضمیمه کشور صهیونیستی کردند.^(۱۵)

پی نوشت‌ها:

- تورات، کتاب مقدس، ص: ۵۷۸-۵۷۹، مزامیر ۱۰۵، با اندکی تلخیص.
- حکیمی، محمود، تاریخ تمدن یا داستان زندگی انسان، جلد اول، ص: ۶۷-۶۸، شرکت سهامی انتشار، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۷۱ش.
- المغلو، سامی بن عبدالله بن احمد، أطلس الأديان، ص: ۴۱، الطبعة الأولى، العبيکان للنشر، الرياض، ۲۰۰۷م.
- کتاب مقدس، ص: ۱۷۷ (خروج ۱۷-۲۰).
- شهرستانی، ابوالفتح، محمد بن عبدالکریم، موسوعة الملل والنحل، ص: ۹۶، مؤسسة الناصر للثقافة بیروت ۱۹۸۱م.
- توفیق، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، ص: ۷۵، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی

دانشگاهها (سمت)، تهران، ۱۳۷۹ش.

(۷) همان، ص: ۹۲.

(۸) جهان مذهبی ادیان در جهان امروز ص: ۱۶۳، نویسندگان: ریچارد بوش / کنت دالراید / عظیم نانجی / هیلا کانورث / کایل بیتس / رابرت بام استند / رابرت ویر (ویراستار کلی)، ترجمه: دکتر عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۴ش.

(۹) آشنایی با ادیان بزرگ، ص: ۹۳-۹۴.

(۱۰) همان، ۹۵-۱۰۰.

(۱۱) نقش یهودیان دونه در فروپاشی امپراتوری عثمانی: یهودیان دونه با فعال کردن حرکت‌های فراماسونری در بلاد اسلامی و استفاده از شعار آزادی، دموکراسی، مبارزه با استبداد و... اختلاف

و دودستگی گسترده‌ای در قلمرو امپراتوری عثمانی پدید آورده و تلاش‌های گسترده‌ای را برای فروپاشی آن انجام دادند. در واقع یهودیان دونه سنگ بنای اجرای اهداف جهانی یهود را گذاشتند و برای تحقق اسکان صهیونیست‌ها در سرزمین فلسطین تلاش می کردند. سلطان عبدالحمید عثمانی سد بزرگی در برابر برنامه‌های سران صهیونیسم بود. سلطان عبدالحمید تدابیر لازم را برای عدم واگذاری و فروش زمین به یهودیان در فلسطین اتخاذ کرد و هیچ اختیاری به یهودیان در آن سرزمین نداد تا زمینه برای سلطه آنان بر فلسطین فراهم نشود. این امر سبب شد صهیونیسم جهانی برای تقویت دشمنان سلطان، فعالیت‌های گسترده‌ای آغاز نمایند. آنان از شورشیان ارمنی، ملی‌گرایان بالکان و حزب اتحاد و ترقی حمایت کردند و با هر حرکتی که در صدد جدایی از دولت عثمانی بود، همکاری می کردند. سرانجام حزب اتحاد و ترقی با حمایت همه جانبه اروپا و محافل یهودی، سلطان عبدالحمید دوم را از حکومت عزل کرد. بریتانیا و یهودیان توانستند مصطفی کمال (از یهودیان دونه که تظاهر به اسلام می کرد) را به سوی رهبری دولت عثمانی پیش ببرند و موفق هم شدند. مصطفی کمال نیز طرح‌ها و اهداف آنها را پیاده کرد و دولت عثمانی با سرنوشت غم‌انگیزی مواجه شد. (شهنوازی، صلاح الدین، ترکیه از سقوط دولت عثمانی تا پیروزی اسلام خواهان، مجله نَدای اسلام، سال هشتم، شماره ۳)

(۱۲) آشنایی با ادیان بزرگ، ص: ۱۰۰ و ۱۰۱.

(۱۳) همان، ص: ۱۰۷.

(۱۴) همان، ص: ۱۰۷.

(۱۵) همان، ص: ۱۰۸.